

سردبیر

هفته ای داغ را در پیش داریم، به استقبالش برویم!



امیر توکی

سیر تحولات سیاسی و اجتماعی در ایران قابل مقایسه با کشورهای مشابه نیست. در هر روزش و در هر لحظه اش تفاوتها را میتوان دید. اوضاعی غیرمتعارف که اقداماتی بنیادی و ریشه ای میطلبد. طبقات مختلف جامعه جهت پاسخ خود درگیر مبارزه ای آشکار و نه نهان به شکل کلاسیک هستند. صفها روشن است و پاسخها میروند که بر پیشانی جامعه حک شود.

هفته ای را که آغاز کرده ایم را نگاه کنید، بشکل بسیار گویایی هر دو پاسخ را در بر دارد. از یک طرف مبارزه کارگران و مردم آزادیخواه برای رهایی، آزادی و برابری و از طرف دیگر توحش جمهوری اسلامی و

کمکهای غیر غیبی اروپای محلل. دو صف کاملاً متخاصم که میروند تا فردای جامعه را در پس جدالهای امروز رقم زنند.

* با ۱۶ آذر شروع میکنم، جنبشی بسیار پر قدرت در میان جوانان و مردم آزادیخواه که مدتهاست در تدارک برگزاری این روز در اعتراض به اختناق، سرکوب، اسلام سیاسی، تبعیض جنسی، بی حقوقی کامل شهروندی، فقر و فلاکت وحشتناک به میدان آمده است. در مقابل اوباشان اسلامی قمه کشان به صف میشوند تا به خیال خود این جنبش را سرکوب کنند. اما این حرکت چنان از اعماق جامعه نشعت گرفته است که بدون تحقق واقعی آزادی و برابری و سرنگونی جمهوری اسلامی قابل کنترل و فرونشاندن نیست. ما شاهد اعتراضات وسیع با شعارهای آزادی، برابری و آزادی زندانیان سیاسی و مرگ بر جمهوری اسلامی خواهیم بود.

* در همین هفته ادامه اعتراضات کارگران

صفحه ۴

مبانی کمونیسم کارگری سمینار اول کمونیسم کارگری

منصور حکمت

صفحه ۶

بگذار طبقات حاکمه در مقابل انقلاب کمونیستی بر خود بلرزند.
کارگران در این میان چیزی جز زنجیرهای خود را از دست نیندھد،
ولی جهانی را بدست خواهد آورد.
کارگران جهان متحد شوید!

اعتراضات کارگران پتروشیمی، چشم اندازها و حمایت ها

مصاحبه با اصغر کریمی از دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری ایران



انقلاب کارگری: کارگران پتروشیمی بیش از یک ماه است در حال مبارزه و اعتصاب بسر میبرند. از نظر شما این مبارزه چه جایگاه و اهمیتی در جنبش کارگری در ایران دارد؟

اصغر کریمی: از زوایای مختلفی میتوان به اهمیت این مبارزه اشاره کرد. این مبارزه ای است مستقیماً علیه بیکار کردن هزاران کارگر. و به این معنی بخشی از یک مبارزه وسیعتر است در مقابل کل بیکارسازیهای که در ابعاد وسیع در نفت و بسیاری مراکز دیگر در سراسر جامعه هرروزه و از طریق غارت کارخانه ها، تعطیل واحدها، خصوصی سازی و تعدیل نیروی کار جریان دارد. به این اعتبار خواست این مبارزه خواست میلیونها نفر دیگر است که به خاک سیاه نشانده شده اند. خواست صدها هزار کارگری است که هر آن منتظرند مشمول بیکارسازی شوند و در شرایطی که کوچکترین بیمه ای به آنها پرداخت نمیشود، زندگی شان از هم پاشیده شود. تفاوت پتروشیمی با سایر مراکز این است که اینها مراکز کلیدی و مهمی هستند و نمیتوان آنها را راکد گذاشت و یا تعطیل کرد و نتیجتاً مبارزه این بخش از کارگران، هم بیشتر مورد توجه قرار میگیرد و هم از قدرت بیشتری میتواند برخوردار باشد. از نظر سیاسی نیز اهمیت ویژه تری دارد و سرکوب آنها سخت تر است. تا همینجا

کارگری زبانه میکشد، در شرایطی که در مناطق زحمتکش نشین شهرها فقر و بیکاری صدای همه را درآورده است، و بویژه در شرایطی که روحیه مبارزاتی بالایی در میان جوانان و کل مردم ایران وجود دارد، حائز اهمیت سیاسی ویژه ای است. در چنین شرایطی موفقیت کارگران یک موفقیت بزرگ سیاسی برای آنها و کل طبقه کارگر محسوب میشود. این مهمترین وجه اهمیت این مبارزه است.

انقلاب کارگری: جمهوری اسلامی در اولین قدم بعد از شروع مبارزات کارگران پتروشیمی ظاهراً عقب نشست و اعلام کرد که کارگران به بخش خصوصی منتقل میشوند. این کشاکش الان بر سر چیست؟

اصغر کریمی: جمهوری اسلامی دارد وقت میخرد تا کارگران را پراکنده کند، اتحاد آنها را بهم بزند، و اعتراض آنان را بخواباند. نه الزاماً با سرکوب، که هر جا لازم باشد و زورش برسد در آن تردید نمیکند، بلکه همچنین از طریق بازخريد و بازنشست کردن بخشی از آنها، استخدام تعدادی از آنها در

اتحاد کارگران پتروشیمی در چهار شهر اراک، اصفهان، خارك و آبادان و مبارزه طولانی مدت آنها الگوی خوبی از یک مبارزه کارگری بدست داده است. اعتصاب همزمان، تعیین نمایندگان این چهار مرکز برای مذاکره با دولت، و بعضاً تصمیم جمعی آنها، همه نشانه های پختگی رهبران این اعتراض را به نمایش میگذارد. کارگران پتروشیمی در این مدت نشان دادند که قابلیت بسیار بالایی در قرار گرفتن در راس اعتراضات کارگری دارند، و فی الحال به مرکز توجه بسیاری از کارگران تبدیل شده اند. اتحاد و روحیه مبارزاتی در کنار موقعیت ویژه و کلیدی آنها تاکنون به جمهوری اسلامی اجازه سرکوب آنها را نداده است.

این مبارزه در شرایطی که خشم و نفرت در همه مراکز

صفحه ۳

زنان کارگر فصلی، قربانیان نظام جهل و سرمایه را دریابیم!

صفحه ۲

سازمان دادن اعتصابی

که رژیم شاه را فلج کرد

صفحه ۵

زنده باد جمهوری سوسیالیستی ناپود باد جمهوری اسلامی

زنان کارگر فصلی، قربانیان نظام جهل و سرمایه را دریابیم!



محمد محمدی

در ارومیه مرکز استان اذربایجان غربی میدانی وجود دارد که مخصوص کارگران فصلی است. این میدان به دو قسمت تقسیم شده است قسمتی به مردان روزمزد و قسمت دیگر به زنان کارگر فصلی اختصاص دارد. این میدان در نزدیکی ورودی جاده مهاباد به ارومیه و در ۵۰۰ متری پلیس راه این شهر قرار دارد. این میدان به ویژه در ۷ ماه سال (از اول اردیبهشت تا اواخر آبان ماه) و مرکزی است برای تجمع کارگران فصلی زن. هر روزه می توان شاهد حضور بیش از ۳۰۰ تا ۴۰۰ نفر از این زنان کارگر بود که از روستاهای دور و بر و نیز خود شهر ارومیه برای پیدا نمودن کار به این میدان مراجعه می کنند. اکثر این زنان کسانی هستند که به دلایل مختلف همسران خود را از دست داده و یا دارای همسر و چندین فرزند میباشند ولی همسرانشان به تنهایی قادر به تامین مایحتاج روزانه خانواده شان نیستند. این زنان برای امرار معاش خود و فرزندانشان مجبور می شوند به این میدان مراجعه کنند. این زنان به غیر از کار در بیرون از محیط خانه باید پس از بازگشتن از سرکار، کارهای خانه را هم از قبیل پخت و پز، رخت شویی و غیره... انجام دهند تا مورد توهین و تحقیر و اذیت و آزار مرد خانه قرار نگیرند. همچنین دخترانی وجود دارند که برای پیدا کردن کار به این میدان می آیند؛ سن این دختران متفاوت است و از ۱۲ تا ۲۰ ساله دور هم جمع شده تا موقع پیدا نمودن کار

مشغول به بازگو کردن سرگذشت تلخ خود برای همدیگر می شوند. اینها فریاد اعتراض خود و دیگر زنان به ستوه آمده را با بازگو کردن خاطرات هر روزه خود برای دیگر هم سرنوشتان خود ابراز میدارند. اینان در خاطرات پر از درد و رنجشان به روشنی بیان میدارند که صدها سال است با ابزار مذهب سرکوب و تحقیر شده اند و در بهترین حالت وسیله تبلیغ تولیدات سرمایه بوده اند و هر روز بیش از روز دیگر ارزش انسانیشان از طرق مختلف بیشتر و بیشتر پایمال شده است. و از اینکه چرا تا به حال ازدواج نکرده اند چه چیز باعث شده است که مجبور به کار و یا آمدن به این میدان شوند و همچنین از مخالفت برادر، پدر و حتی دیگر مردان فامیل (عمو و پسر عموها!) در انتخاب همسر، نحوه زندگی، طرز پوشش و صدها مسایل و مشکل دیگر مربوط به سرنوشت خود حرف می زنند. فصل کار برای این زنان از اوایل اردیبهشت ماه شروع و با آماده نمودن زمینهای کشاورزی برای بذر پاشی و سبزیکاری شروع می شود و تا اواخر آبان ماه ادامه دارد. ساعت کارشان مشخص نیست از ساعت ۶ و ۷ صبح تا ۶ و ۷ بعد از ظهر کارشان ادامه می یابد یعنی حداقل ۱۲ ساعت کار کمر شکن در روز در برابر دستمزدی ناچیز (کمتر از نصف دستمزد مرد!) مشغول به کارند. کار اینها در مزارع عبارت است از وجین کاری، هموار کردن زمینها برای کشت، تمیز نمودن باغهای میوه، جمع اوری میوجات (سیب، البالو گیلان و انگور) همچنین دیگر محصولات کشاورزی از جمله سیب زمینی، پیاز، چغندر، نخود، لوبیا و عدس و... محل کارشان از ۲ تا ۱۰ کیلومتر خارج و دور از شهر قرار دارد و این کارگران در دسته های ۳ تا ۲۰ نفره همراه صاحب زمین یا صاحبکار به سر کار می روند. غذای نهار

و عصرانه شان عبارت است از سیب زمینی آب پز، تخم مرغ و یا ماست، که اول صبح آماده کرده و با خود به سر کار می آورند و در همان محل کار صرف می کنند. مجموع مدت زمانی که از طرف کارفرما به صرف نهار و عصرانه شان اختصاص داده می شود تنها محدود به یک ساعت است؛ بعد از این یک ساعت باید به سر کارشان برگردند و دیگر مدتی برای استراحت در نظر گرفته نمی شود. این کارگران در زمان کار مطلقاً حق استراحت را ندارند. خرج ایاب و ذهاب اکثراً به عهده خودشان می باشد که برای این منظور به صورت دسته جمعی از وانت کرایه ای استفاده می کنند. از آنجا که کار این کارگران دائمی نیست و به صورت روزمزد می باشد و حتی احتمال اخراجشان از سر کار بعد از شش ساعت کار وجود دارد، صاحب کار هیچ گونه مسئولیتی در قبال حوادث غیر مترقبه را به عهده نمی گیرد. احتمال وقوع حوادث ناگوار از قبیل شکستن دست و پا، مار گزیدگی، پایین افتادن از درختان میوه و پرت شدن از وانت باری در مسیر و دهها خطر جانی دیگر و همچنین ابتلا به بیماری های پوستی، سرماخوردگی در فصل بارندگی و گرمزدگی در فصل گرما برای این کارگران زن وجود دارد. دستمزد این کارگران اکثراً به بعد از فروش محصولات موکول می شود حتی بعضی از صاحبکاران که اقدام به اجاره باغ و یا زمین نموده اند بعد از اتمام کار به بهانه اینکه محصول فروش نرفته است و یا به دلایل ناموجه دیگر از پرداخت دستمزد کارگران خود داری می کنند. و این کارگران مجبور می شوند برای دریافت دستمزد خود ماه ها به مراجع قانونی مراجعه کنند؛ ولی به دلیل رسمی نبودن و نداشتن مدرک قانونی (از قبیل بیمه تامین اجتماعی، قرارداد رسمی یا دایم) و نیز کارگر ستیز بودن

قانون کار رژیم اکثراً حکم نهایی اداره کار و دیگر مراجع قانونی رژیم به ضرر این کارگران و به نفع صاحب کار یا مقاطعه کار صادر می شود. در موارد زیادی بعضی از این کارگران زن مورد تجاوز جنسی صاحبکار و یا افراد دیگر قرار گرفته و می گیرند؛ به عنوان مثال شخصی به این میدان مراجعه کرده و به بهانه اینکه به یک نفر کارگر برای انجام کار در خانه و یا باغ احتیاج دارد کارگر مورد نظر خود را انتخاب و به او نقطه نامعلومی برده و به او تجاوز می کند. تازه بعد از تجاوز همین زنان مورد اذیت و آزار و ضرب و شتم افراد مرد خانواده و دیگر مردان فامیل قرار می گیرند و حتی در بعضی موارد به خاطر این تجاوز، کشته و یا سوزانده شده اند. برای نمونه چندی پیش یکی از این زنان کارگر در یکی از سردخانه های نزدیک ارومیه مورد تجاوز صاحب کار قرار گرفت. این زن از ترس و برای دفاع از خود بدون اطلاع خانواده اش به پاسگاه محل مراجعه کرده و شکایتی به پاسگاه ارائه می دهد که با مطلع شدن همسرش از ماجرا دم در پاسگاه به زن حمله کرده و با دو ضربت چاقو به پهلو و دست راستش او را زخمی و روانه بیمارستان می کند. وضعیت کارگران زن فصلی در شهرهای دیگری هم مانند

انقلاب کارگری

شنبه ها منتشر میشود

سردبیر: امیر توکلی

تلفن: 00 358 405 821 776

ایمیل: tavakoli@hotmail.com

ادامه

کارگران پتروشیمی

سایر مراکز، و بدین طریق تضعیف نیروی کارگران و نهایتاً خرد کردن این اعتصاب. علیرغم عقب نشینی های اولیه و تناقض گوئی مسئولین دولتی، اما جمهوری اسلامی کماکان قصد دارد سیاست خود را در نفت ادامه دهد. منتظر است مبارزه فروکش کند، و بتدریج کار خود را دنبال کند. کارگران هم دست دولت را خوانده اند و بخوبی بر مقاصد جمهوری اسلامی واقفند و بر این پافشاری میکنند که انتقال آنها به بخش خصوصی و سپردن مسئولیت اشتغال به عهده فردی کارگران، رسماً لغو شود. دولت باید رسماً عقب نشینی کند، نه از طریق فلان مدیر شرکت و فلان نماینده دست هفتم خود، تا تضمینی برای حفظ اشتغال لاقط تا یک دوره دیگر وجود داشته باشد. بدنبال اعتصاب غذا بحث در میان کارگران و فعالین آنها درمورد نحوه تداوم مبارزه جریان دارد.

انقلاب کارگری: شما از سازمانهای کارگری و بین المللی خواسته اید که از کارگران پتروشیمی حمایت کنند، چه نوع حمایتی را مد نظر دارید و تا چه حد فکر میکنید پاسخ مثبت بگیرد.

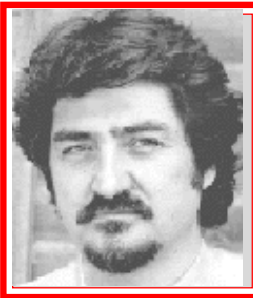
اصغر گریهی: کمپین عظیم و جهانی حمایت از کارگران نفت در آذرماه ۷۵ تا فروردین ۷۶ را همه بیاد دارند. صدها اتحادیه بزرگ و کوچک در کشورهای مختلف به کمپین حزب پاسخ دادند و حمایت پرشوری از کارگران نفت بعمل آوردند. روزی نبود نامه اعتراضی یک اتحادیه بزرگ روی میز رفسنجانی قرار نگیرد. موقعیت کلیدی و تاریخی کارگران نفت عامل مهمی در موفقیت عظیم آن کمپین بود. امروز نیز با روابط گسترده و نزدیکی که با سازمانهای کارگری در اروپا، آمریکای شمالی و استرالیا داریم حمایت قدرتمند از کارگران پتروشیمی را تضمین میکنیم. حمایت ها از هم اکنون شروع شده و به سرعت تعداد کثیری از سازمانهای کارگری در سراسر دنیا به نامه

چطور جنبش کارگری فعلی میتواند از این موقعیت در بیاید و برود به یک جایی که معترض است، اعتصابی است و دخالت میکند؟ کلید این مساله بنظر من یکیش جنبش مجمع عمومی است.

ببینید، اتفاقاً کارگر بطور تکی بشدت منزوی و ضعیف است. قدرت کارگر در تجمعش

است، در تصمیم جمعی اش است، در خاصیت طبقاتی اش است. قدرت دانشگاه لزوماً به تصمیم جمعی اش نیست. ولی قدرت طبقه کارگر در تجمع و اتحادش است و مجمع عمومی آن ظرفیت است که بدون اینکه ساختنش پیچیدگی عجیبی بخواهد، بدون اینکه لازم باشد دکترای سازماندهی کارگری بگیری، میتوانی همه را در صحن کارخانه جمع کنی و بگی این مجمع عمومی کارخانه است و هر چه کارگران بگویند حرف آخر ماست.

(سخنرانی منصور حکمت در کنگره سوم حزب تحت عنوان مبارزه سیاسی و اقتصادی طبقه کارگر)



دانشگاهها را شکل میدهند، در این زمینه کم کاری کرده اند. بلند کردن پرچم حمایت از کارگران پتروشیمی در دانشگاهها و پر کردن در و دیوار دانشگاهها، مدارس و در سطح شهر در دفاع از کارگران پتروشیمی و نفت از جمله وظایفی است که جوانان رادیکال و سوسیالیست، و هر کس که به سرنگونی جمهوری اسلامی و به رفاه و آزادی فکر میکند باید در دستور بگذارد. حزب تلاش میکند این مساله را به مرکز توجه دانشجویان و جوانان رادیکال تبدیل کند.

حزب با شروع کمپین جهانی در حمایت از کارگران پتروشیمی موضوع این اعتصاب را داغ نگه خواهد داشت. این فاکتور نیز موقعیت مساعدتری برای پیشبرد اعتصاب و گسترش آن میدهد. اما مساله تعیین کننده نقش رهبران کارگری و کارگران کمونیست و سوسیالیست در این مراکز است که از این فرصت برای سرانجام رساندن مبارزه خود نهایت استفاده را بکنند. آنها در مقابل تصمیمات بزرگی قرار گرفته اند.

تر جمع میکند و به رهبران آنها اجازه پیشروی و تصمیمات شجاعانه تر میدهد. مجمع عمومی کارگران میتواند خطاب به دولت اعلامیه صادر کند، بر خواستهائی مانند لغو قطعی بیکارسازی کارگران و تصویب فوری بیمه بیکاری برای همه افراد بیکار را علناً به جامعه اعلام کند، فضای جامعه را تحت تاثیر قرار دهد و تحرک مبارزاتی را در میان سایر بخشهای کارگری بالا ببرد. اینها بنظر من اشکال موثرتری در بسیج کارگران، در ایجاد خوشبینی در میان آنها، در جمع آوری قوا برای تداوم و گسترش اعتصاب، در تبدیل کردن این اعتصاب به یک مساله داغ و مهم جامعه و از این طریق وارد کردن فشار خرد کننده بر جمهوری اسلامی است. یک فاکتور مهم دیگر در این مبارزه وجود حزب کمونیست کارگری است. حزب در عرض این چند هفته تبلیغات فشرده ای درمورد این اعتصاب به پیش برده و نه تنها کارگران مراکز مختلف بلکه کل مردم را از این اعتصاب مرتباً باخبر نگهداشته است. بنظر من جوانان مبارز، دانشجویان چپ و آزادیخواه که اکنون فضای

است. تهدید به اعتصاب همزمان و اعزام بیست نماینده از چهار پتروشیمی به مجلس اسلامی از جمله تاکتیک های بسیار هوشیارانه کارگران بود اما بنظر من اعتصاب غذا نیروی آنها را فرسوده میکند و آنها را به حالت دفاعی میاندازد. این تاکتیک نیست که توده های وسیع کارگر را به حرکت درآورد، کارگران را زمینگیر میکند و قدرت تعرض را پائین میآورد. نتیجه اعتصاب غذای کارگران چیت بهشهر و به زوال رفتن نیروی آنها را شاهد بودیم. خوشبختانه اعتصاب غذای کارگران پتروشیمی محدود بود. در مقابل، تاکتیک اعتصاب هماهنگ در پتروشیمی ها و همزمان اعزام هیئت هائی برای تماس با سایر رهبران کارگری در نفت برای جلب پشتیبانی آنها و تعیین یک روز اعتصاب عمومی در نفت حتی اگر به نتیجه قطعی نرسد، پشت رژیم را میلرزاند. برپائی مجمع عمومی نیز از جمله اشکال مهمی است که جلوافت روحیه مبارزاتی کارگران را میگیرد و به آنها اعتماد بنفس میدهد قدرت یکپارچه آنها را نشان میدهد و همه نیرویشان را پشت تصمیمات رادیکال تر و موثر

زنده باد جنبش مجمع عمومی!

ادامه

هفته ای داغ را در پیش داریم،

به استقبالش برویم!

پتروشیمی اراک، اصفهان، آبادان و خارک را شاهدش خواهیم بود. کاسه صبر کارگران بسر آمده است. در آخرین تجمع کارگران آنها قاشق هایشان را به ظروف خالی غذا میکوبیدند و خواهان لغو فوری تصمیم مسئولین پتروشیمی جهت انتقالشان به بخش خصوصی بودند در غیر اینصورت کارگران تهدید به اعتصابی یکپارچه کرده اند. این صدا در جامعه پیچید. صدای اعتراض کارگران پتروشیمی میبرد که از جانب کارگران دیگر بخشها پاسخ حمایتی بگیرد و تا همینجا نگاه جامعه را بطرف خود برگردانده است و میبرد که شعار کارگر نفت ما رهبر سر سخت ما را بر سر زبانها بیاندازد. از طرف دیگر مامورین جمهوری اسلامی به کارگران هشدار دادند که از شیوه های دیگر اعتراضی استفاده نکنند. جوایشان را کارگران خواهند داد.

* در همین هفته به اسلو میرویم. اروپای محلل میخواید زیر بال جمهوری اسلامی را بگیرد تا چند صباحی دیگر دوام آورد. اینبار

جایزه نوبل به خانه اسلام میآید. تا شاید رامش کنند و سپس در لاکش کنند. این هفته میدیای اروپا همراه با سرورانشان نشان میدهند که هیچ نزدیکی با مبارزات آزادیخواهانه مردم ایران ندارند بلکه برعکس در جبهه مقابل مردم و کارگراند. از آشتی اسلام و حقوق بشر سخنها خواهند گفت و خانم شیرین عبادی را بعنوان سمبل زن مسلمان از ایرانی اسلامی به جهانیان نشان میدهند. اما از طرف دیگر حزب کمونیست کارگری، سازمان آزادی زن و دهها تشکل و انسناهای آزادیخواه هم در محل موسسه نوبل در اسلو فریاد اعتراض بلند خواهند کرد و این سیاست حمایتی از اسلام سیاسی را افشا میکنند. اینبار نیز این صف آزادیخواهی و انقلاب است که در خارج از کشور عرصه را بر همه شان تنگ میکند و پر قدرتر به پیش میروند.

* در همین هفته کنگره حزب کمونیست کارگری برگزار میشود. تنها حزب اپوزیسیونی در تاریخ ایران که کنگره علنی برگزار میکند و همگان را دعوت به شرکت در آن میکند.

حزبی که به تنهایی نقش تعیین کننده ای در سیر تحولات سیاسی در ایران داشته است. ایران در یکقدمی تحولی تاریخی و بنیادی یعنی یک انقلاب کارگری قرار گرفته است. وجود این حزب ضروری و بسیار هم ضروریست. حزبی که میتواند در راس این تحولات قرار گیرد، هدایتش کند و به پیروزی نهایش برساند. این حزب ضروریست تا از دل انقلاب آتی، ضد انقلابی عروج نکند و همچون سال ۵۷ انقلاب را به اسم انقلاب سرکوب نکند. این کنگره باید با نقشه عملیاتی حزب را در سطح میلیونی به مردم بشناساند، اهدافش، اهداف میلیونی مردم شود. چهره هایش، چهره های سرشناس جامعه شود و فراخوانش برای انقلاب، فرمان انقلاب گردد. این کنگره از هر جهت مهم و تعیین کننده است. چرا که در مقطعی مهم و تعیین کننده در ایران برگزار میگردد.

هفته آینده میتواند جایگاه مهمی به لحاظ سیاسی چه در ایران و چه در عرصه بین المللی یابد. پس به استقبال این هفته برویم.

سازمان میدهد تا وقتی که نشان آنقدر بالا برود و درد معاش آنقدر معتدلشان کند که بتوانند در تولید یک جانی پیدا بکنند.

بهرحال شروع مساله اینجاست. حرف من اینست که بحث کمونیسم کارگری پاسخ این تناقضات را دارد. یا سرخ های مهمی به این پاسخ را دارد. بحث کمونیسم کارگری جواب این مسائل است. جواب مادی اش است، جواب نظری اش است، جواب تحلیلی اش است، جواب سیاسی اش است، جواب پراتیکی اش است. و به همین دلیل است که میگویم این بحث بنظر من از این جلسه بسیار فراتر میروند.

ادامه در شماره بعد

صندوق همبستگی مالی با کارگران اعتصابی در ایران!

www.kargaran.org

سایت کارگران طبق اطلاعیه ای در ۵ ژوئن ۲۰۰۳ خبر از تشکیل صندوق حمایت مالی در دفاع از کارگران چیت بهشهر داد. اکنون با شدت گرفتن جنبش سرنگونی مردم در ایران و شدت گرفتن جنب و جوش اعتراضی در میان کارگران این صندوق را به صندوق حمایت از کارگران اعتصابی در ایران اختصاص دادیم. با کمک به این صندوق به استقبال و حمایت از اعتصابات کارگران در ایران برویم.

واقعیت اینست که همیشه در شرایطی که کارگران دست به اعتصاب میزنند. بویژه اعتصابات طولانی مدت یکی از مسائلی که همواره بر دوش کارگران و تداوم و تحکیم مبارزه شان فشار میآورد مساله مالی است. بویژه در شرایطی که سطح دستمزد کارگران آنقدر نازل است که حتی کفاف اولیه ترین مایحتاج آنها را نمیکند، در شرایطی که در بخشهای وسیعی از مراکز کارگری کارگران ماهیاست که دستمزدی دریافت نکرده اند، این فشار شکل حادث و جدی تری بخود میگیرد. صندوق همبستگی مالی با کارگران یکی از سنت های جافته در مبارزات کارگری و ظرفی برای ایجاد همبستگی و تقویت اتحاد در میان کارگران است. صندوق همبستگی مالی در حمایت از کارگران اعتصابی میکوشد که به این نیاز پاسخ دهد. به صندوق همبستگی مالی در دفاع از کارگران اعتصابی کمک کنید.

کمک های خود را به این شماره واریز کنید:

اسم بانک:

Name of the bank: Lloyds Bank

شماره حساب:

Account nr: ۰۰ ۴۴ ۲۶ ۱۵

Sort code: ۳۰ ۹۹ ۸۶

نام دارنده حساب: Name: A-J

سایت کارگران

شهلا دانشفر

۲ ژوئیه ۲۰۰۳

از سایت کارگران دیدن کنید

سایت کارگران منعکس کننده اخبار اعتراضات و مبارزات کارگران و بررسی مسائل گری جنبش کارگری است. با ارسال گزارش و خبر و مقالات و عکس در زمینه مسائل جنبش کارگری در ایران و جهان با این سایت همکاری کنید.

سردبیر: شهلا دانشفر

آدرس سایت: www.kargaran.org

آدرس ای میل: shahla_daneshfar@yahoo.com

نشریه انقلاب کارگری از این سایت قابل دسترسی است

www.kargaran.org

سازمان دادن اعتصابی که رژیم شاه را فلج کرد

گزارش دست اول یکی از کارگران صنعت نفت

این مطلب قبلا در نشریه کارگر کمونیست منتشر شده است. سردبیر



برگردان: ناصر اصغری

قسمت دوم

همچنین بحث زیادی روی تولید به اندازه کافی برای مصرف داخلی شد. بالاخره تصمیم گرفتیم که مصرف داخلی را تأمین کنیم. مصرف داخلی در حدود ۲۵۰ تا ۳۵۰ هزار بشکه در روز است. مصرف نفت معمولا در تابستان کمتر است. اما زمستانهای ایران سرد می‌شود. فصل سرما در راه بود و می‌دانستیم که مصرف بالا خواهد بود. می‌بایست حداقل ۳۵۰ هزار بشکه تأمین می‌کردیم. تعدادی کارگر را در اهواز مأمور کردیم که به تولید در یکی از چاهها، معروف به چاه شماره ۲ ادامه بدهند. این چاه، نفت خالص پالایشگاههایی که مایحتاج نفت مصرف داخل را برعهده دارند، تأمین می‌کند. تصمیم گرفتیم که اجازه دهیم این چاه به تولیدش ادامه بدهد. همچنین اجازه دادیم چاه شماره ۱ که شامل سیستم تلمبه زدن است، به کارش ادامه بدهد و نفت خالص را به پالایشگاههای آبادان و جاهای دیگر برساند. بعدا متوجه شدیم که با یکسری مشکل روبرو شده‌ایم. در واقع حتی بیشتر از نفت

مورد نیاز مصرف داخلی را که ۲۵۰ تا ۳۵۰ هزار بشکه بود تولید می‌کردیم. اطلاع پیدا کردیم که "انبار ری" وارد اعتصاب شده است. به یک معنا، نفت خالصی را که برایشان می‌فرستادیم، پالایش نمی‌کردند. همین کار در پالایشگاه آبادان هم اتفاق افتاد. با کارگران این پالایشگاهها صحبت کردیم و از آنها خواستیم که نفتی را که برایشان می‌فرستیم، تصفیه کنند. استدلال کردیم که دولت از این وضعیت بهره‌برداری خواهد کرد. گفتیم برای اینکه اجازه ندهیم دولت از عمل ما تصویر غلطی ارائه دهد و یک بخش از جامعه را علیه بخش دیگری تحریک کند و یک کمپین ضد ما را شروع کند، بهتر است که کارگران این پالایشگاهها سوخت مورد نیاز مصرف داخلی را تصفیه کنند. گفتیم اگر نفت مورد نیاز مصرف داخلی تأمین شود، دولت نمی‌تواند توجه مردم را از موضوعات اصلی اعتصاب ما با بوجود آمدن صفهای طولانی در مقابل مراکز توزیع سوخت و پمپ بنزینها منحرف کند. کارگران این پالایشگاهها نظر ما را قبول کردند و تصمیم گرفتند تا تولید لازم را انجام دهند. اما روز بعد به ما گزارش رسید که دولت همه سوخت تولید شده در این پالایشگاهها را برای مصرف اهداف نظامی‌اش برداشته است. با این نیت که ما با تصمیم‌شان موافقت خواهیم کرد، گفتند که اعتصاب خود را از سر خواهند گرفت. ما هم گفتیم که از آنجائی که خودشان شرایط محلی را بهتر می‌دانند، هر طوری که خودشان صلاح می‌دانند، ما حرفی نداریم.

دوباره تصریح کردیم که هدف اصلی ما رساندن سوخت کافی برای مصرف داخلی است، اما اگر بنا به هر دلیلی فکر می‌کنند که به این هدف نمی‌رسند، خودشان هر کاری که صلاح می‌دانند، انجام دهند. تصمیم‌شان این بود که برای ۱۱ روز به اعتصاب برگردند. همچنین از همه کارگران خواستند که شرکت را بایکوت کنند. دلیل این کار هم این بود که قبلا تعدادی از کارگران به سرکار برگشته بودند تا کم کاری کنند. با بایکوت می‌خواستند که کسی، به هر دلیلی سر کار حاضر نشود. به همین دلیل بسیاری از شهرها، از جمله تهران با کمبود سوخت روبرو شدند و صفهای طولانی جلوی پمپ بنزینها تشکیل شد. سه چهار روز بعد کارگران بخش تولید اهواز یک هیأت نمایندگی به انجمن ما فرستادند و قول دادند که از اعتصاب ما حمایت کنند. گفتند که حاضرند با ما همکاری کنند فقط اگر ما در اعتصابمان مصمم بمانیم و همراه آنها تا آخرین لحظه در اعتصاب باشیم. هشدار دادند که این اعتصاب را نیمه کاره ول نکنیم. ما هم از آنجا که مصمم بودیم تا رسیدن به اهدافمان در اعتصاب بمانیم، با این خواست آنها موافقت کردیم. نیت و هدفمان را با آنها در میان گذاشتیم و آنها نیز به ما پیوستند. خودمان حدود ۶۰ نماینده داشتیم و هیچ سالنی به آن بزرگی نداشتیم که بتواند نماینده هر دو انجمن را در خود جای دهد. این مشکل را با بخش تولید مطرح کردیم و گفتیم که اگر شما ۷۰ یا ۸۰ نماینده انتخاب کنید،

روی هم می‌شویم حدودا ۱۴۰ نفر و جائی به آن بزرگی نداریم که در آن گرد هم آئیم. گفتند که تا بحال ۲۰ تا ۳۰ نماینده را انتخاب کرده‌اند، اما اگر این مشکل پیش می‌آورد و ما راضی باشیم، تنها ۷ تا ۱۰ نفر را می‌فرستند که آنها را نمایندگی کنند. البته این پروسه خیلی دمکراتیکی نبود ولی چون چاره دیگری نداشتیم، تصمیم گرفتیم که با آن کنار بیائیم. بعد از اینکه کارگران بخش تولید به ما پیوستند، خبر اعتصاب عملا به تمامی مناطق نفت‌خیز رسید. شاید بهتر باشد نام بعضی از مناطق نفت‌خیز ایران را یادآور شوم: اهواز، آغاچاری، مارون، گچساران، و همچنین از مناطقی که حاشیه‌ای و یا فرعی خوانده می‌شدند، می‌توان از نفت سفید، باباحکیم و کازرون نام برد. کارمندان و کارگران نفت در همه این مناطق به ما پیوستند. در نتیجه تولید نفت به شدت تنزل پیدا کرد. میانگین روزانه استخراج نفت ایران ۶/۵ میلیون بشکه است، و یا بود، که ناگهان به ۸۰۰ هزار بشکه تنزل پیدا کرد. در این موقع بود که تانکهای نفت‌کش که به جزیره خارک برای حمل نفت می‌آمدند می‌بایست اکنون لنگر بیندازند و تا حدودا ۴۰ ساعت انتظار بکشند. از نفت خبری نبود. روزهای بعدی، استخراج حتی بیشتر از این هم تنزل کرد، به حدود ۵۰۰ هزار بشکه در روز رسید. هم دولت و هم شرکت نفت ایران ناگهان دریافتند که ما درباره مطالباتمان که از همان شروع اعتصاب مطرح کرده بودیم، جدی هستیم. یک لیست ۱۲ مطالبه‌ای به آنها دادیم. ۳ تا از آنها مطالبات

غیر اقتصادی بودند که آنها را جدا آورده بودیم. مطالبات غیراقتصادی پایان دادن به حکومت نظامی، همبستگی کامل با معلمان اعتصابی، و آزادی بی‌قید و شرط کلیه زندانیان سیاسی را شامل می‌شدند. مطالبات اقتصادی ما هم شامل: ملی کردن شرکت نفت، کلیه ارتباطات به زبان فارسی، و اخراج کلیه پرسنل خارجی، بودند. درباره اخراج کارمندان خارجی، نظر این بود که این باید به تدریج و بر مبنای نقشه قبلی صورت بگیرد. یکسری از این کارمندان به سادگی اضافی بودند. دستمزد می‌گرفتند ولی کاری انجام نمی‌دادند. چنین افرادی باید سریعا کشور را ترک کنند در غیر اینصورت خودمان آنها را بیرون خواهیم انداخت. در مورد دیگران، باید طرحی برای جایگزینی آنها را بریزیم. دومین خواست اقتصادی، پایان دادن به تبعیض علیه کارگران و کارمندان زن بود. سومین خواست، اجرای قانون تازه‌ای بود که هر دو مجلس سنا و شورای ملی آن را تصویب کرده بودند تا مشکل مسکن کارگران و کارمندان صنعت نفت را حل کنند. یکی دیگر از خواسته‌ها تجدیدنظر در نظارت بر آئین‌نامه‌های بازنشستگی کارمندان و آخرین مطالبه، حمایت از مطالبات کارگران بخش تولید بود. کارگران بخش تولید مطالبه‌ای را مطرح کرده بودند که در لیست مطالبات کارمندان صنعت نفت نیامده بود. آنهم انحلال ساواک بود. بقیه مطالبات کارمندان بخش تولید تماما با مطالبات ما یکی بودند.

ادامه در شماره بعد

کارگران جهان متحد شوید!

” Let the ruling classes tremble at a
Communist revolution. The proletarians
have nothing to lose but their chains. They
have a world to win.”

WORKERS REVOLUTION

Nr. 4 06 december 2003



مبانی کمونیسم کارگری سمینار اول کمونیسم کارگری (مارس ۱۹۸۹)

قسمت دوم

من یک سلسله مشاهدات را برای شما مطرح میکنم که فکر میکنم باید به آن فکر کنید و فکر میکنم باید برای آنها جواب داشته باشید. بیرون از ما میگویند صد و چند ده سال از مانیفست کمونیست میگذرد، کو انقلابتان؟ شوخی میکنید، خودتان را فریب میدهید، کجاست این انقلاب شما؟ بیرون ما میگویند پیش بینی های مارکس غلط از آب درآمده است. مگر قرار نبود اول در انگلستان انقلاب سوسیالیستی بشود و بعد آلمان و غیره؟ اما چنین نشد. نه در اروپا، بلکه در یک جاهای دور افتاده ای در کره ارض اتفاقاتی افتاد که چهار سال بعد خود شما هم حاضر نبوده اید زیر آن را بعنوان انقلاب سوسیالیستی امضا کنید. میگویند کمونیسم و انقلاب کمونیستی تخیل است، مقولاتی قدیمی است. اینها را از بیرون به ما میگویند و بلند هم میگویند. باقی چیزها را باید خودمان به خودمان بگوئیم. حزب انقلاب کارگران، کارگر در آن کیمیاست. نگاه که میکنید می بینید اساسا روشنفکران جامعه را سازمان داده است. چرا اینطور است؟ حزب انقلاب کارگری است، چرا سازمانده کارگر نیست؟ میگوئیم که جنبشی است که حقایق اساسی راجع به جامعه و جهان موجود را بیان میکند، حقایق قابل درک و شفاف را راجع به جهان سرمایه داری بیان میکنیم که بورژوازی در

هزار و یک رمز و راز آنرا پیچیده و پنهان کرده است. پس چرا حرفمان در رو ندارد؟ چرا آخوند سر محل داستان خر دجال را میتواند به کرسی بنشانند من کمونیست این حقایق را نمیتوانم به کرسی بنشانم؟ چرا هزار و یک جور خرافه بعنوان عقل سلیم پذیرفته میشود، اما حرفهای حقیقی من و شما بعنوان عقل سلیم پذیرفته نمیشود؟ و بعد به پژواک حرفهای خودمان که از در و دیوار جامعه برمیگردد، گوش میدهیم میبینیم که چندان حقایق قابل فهمی بنظر نمیآیند. فهمیدن اینها به متخصص احتیاج دارد، بیشتر از هر چیزی به یک مومن احتیاج دارد. جنبش بیان حقایق چرا به این روز درآمده، جنبشی که پایه اش روی افشای حقیقت جامعه سرمایه داری قرار دارد؟ انگار حرف خودش را خودش نمیفهمد!! و چرا نمیتواند به کسی بقبولاند؟ میگوئیم جنبش انقلاب و تحول و دگرگونی اساسی کل جهان موجود هستیم. جهانی که چند میلیارد آدم در آن زندگی میکنند و همین لحظه که شما اینجا نشسته اید، صدها تانکر چند هزار تنی دارند در دریاها فقط سوخت گوشه هائی از آنرا جابجا میکنند. این جهان به این عظمت را که به طریق الکترونیکی چهار گوشه اش بهم وصل است، و سازمان کار میلیاردها انسان را تعیین کرده است، این جهان را ما میخواهیم از بنیاد دگرگون کنیم! اینطور راجع به خودمان میگوئیم وگرنه دور هم جمع نمیشدیم، آنوقت نگاه میکنید

تا ملتی مستقل شود، و اساسا فقط به همین پرداختند. بر سر این نوع مسائل وحدت کردند و انشعاب کردند. تشکیل شدند و منحل شدند. دقایق کوچکی از روند تغییر جامعه بشری - که صد البته فی نفسه و برای انسانهایی معینی که از آن تاثیر میگیرند بسیار مهم اند - سرنوشت این تاریخسازهای عظیم را پس و پیش میکند. مدتها زندگی فلان حزب سیاسی صرف این میشود که دولتی در فلان کشور چند میلیونی بسر کار بیاید که حاضر باشد دست امپریالیسم را از منابع طبیعی آن کشور کوتاه بکند. یا حکومت فلان کشور از حزب راست محافظه کار به چپ مرکز منتقل شود. آیا این جنبشی است برای تغییر جهان؟ راستش مدتهاست کسی حتی دیگر راجع به آن تغییر جهان هم حرف نمیزند. یک کمونیست، اینروزها معمولا آدم خوشقلب و دموکراتی است که میگوید بابا مردم را اذیت نکنید. به ضعفا زور نگوئید. آن انقلابیون پرشوری که میخواستند دنیا را از قاعده اش بر زمین بگذارند دیگر رفته اند. کمونیسم قرار بوده است جنبشی برای یک تعرض اساسی به جامعه موجود باشد. نقدی بنیادی و تعرضی عظیم به سرمایه داری. که

آزادی برابری حکومت کارگری